

سوال از شاهد طرف مقابل نهاد بسیار مهمی در آیین دادرسی نظام حقوقی کامن لو می باشد که در داوریهایی بین المللی نیز تا حد قابل توجهی مقبولیت و کاربرد دارد. سوال از شاهد طرف مقابل همانگونه که تا حدودی از عنوان آن بر می آید، به معنای سوال وکیل یکی از طرفین دعوی از شاهد طرف دیگر در جلسه دادرسی است و در برابر اصطلاحات (سوال از شاهد خود) و (سوال مجدد از شاهد خود) استفاده می شود. کسانی که با نهاد سوال از شاهد طرف مقابل در نظام حقوقی کامن لو آشنایی ندارند احساس شگفتی می کنند از اینکه تقریباً هیچ محدودیتی نظیر رابطه خادم و مخدومی سابقه مطرح بودن دعوی مدنی یا جزایی، رابطه نسبی یا سببی تا درجه خاص بین شاهد و یکی از طرفین دعوی و ذینفع بودن شاهد در نتیجه دعوی برای پذیرش شهادت در آن نظام، وجود ندارد زیرا می پندارند وقتی که روابط و انگیزه آنچنانی برای ادای گواهی خلاف واقع به نفع یا به ضرر یک طرف موجود است شاهد حقیقت را نخواهد گفت و اما اعتقد دیگر این است که وجود یا فقدان آن روابط خاص لزوماً نمیتواند دلیل سلب اعتماد از شاهد یا جلب اطمینان به وی باشد بویژه با مرزهای مصنوعی از قبیل رابطه سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقه دوم (نه یک طبقه با یک درجه پایین تر) و یا گذشت فی المثل دو تا پنج سال (نه یک روز کمتر) از زمان قطعیت حکم قطعی دعوی جنایی یا جنحه مطروح بین شاهد و طرفی که شاهد به ضرر وی شهادت میدهد.

یک شاهد نه تنها به لحاظ آن انگیزه ها بلکه به دلایل متعدد دیگر از قبیل داشتن رابطه تجاری یا سابقه دوستی با یکی از طرفین دعوی یا به علت ساده تطمیع شدن خاصه در دنیای مادی کنونی یا در اثر اشتباه ممکن است شهادت نادرست به نفع یا به ضرر یکی از طرفین بدهد.

بنابراین آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که معلوم شود آیا شاهد حقیقت را می گوید یا خیر در تامین این مقصود یعنی برای احراز صحت شهادت به محک مطمئنی نیاز است و آن معیار همانا سوال از شاهد طرف مقابل است که باعث می شود حتی بسیاری از مدعیان یا متهمان که حق ادای شهادت به نفع خود را دارند از توسل به آن امتناع ورزند؛ زیرا شهادت دادن آنان به وکیل طرف مقابل حق می دهد که در جلسه دادرسی سئوالات متعددی از آنان بنماید و وضع را بیشتر به ضرر آنان تغییر دهد و حکمت این قضیه آن است که دروغ گفتن برخلاف آنچه ممکن است تصور شود کار آسانی نیست وکیل یک طرف در سوال از شاهد طرف مقابل معمولاً به یکی دو سال یا چند سوال پراکنده اکتفا نمی کند بلکه پرسشهای متعددی را بر مبنای یک استراتژی حساب شده طرح می سازد تا کذب بودن یا نقاط ضعف اظهارات شاهد بر دادگاه معلوم شود. نظر به اینکه عملاً غیر ممکن است یک شاهد پاسخ تمامی سئوالات متعدد را از پیش مهیا کرده باشد تا بتواند فی المجلس به همه سئوالات مطروحه پاسخ منسجم و هماهنگ بدهد و از آنجا که به مصداق ضرب المثل معروف فارسی آدم دروغگو کم حافظه است یک وکیل آشنا به رموز سوال از شاهد طرف مقابل معمولاً در این کار توفیق می یابد.

در این مقاله شمه ای از تکنیک سوال از شاهد طرف مقابل و مسائل مربوط به آن تحت ده عنوان بدون اینکه آیین دادرسی محکمه یا دیوان داوریه خاصی مدنظر باشد ارائه می شود مطالعه این مختصر، خواننده را به شیوه استفاده از آیین دادرسی آشنا می کند و برای وکلای ایرانی که در دیوان داوریه ایران، ایالات متحده در لاهه به دفاع از دعوی مطروحه می پردازند متضمن فایده عملی بیشتری است چرا که روسای شعب آن دیوان معمولاً اجازه سوال مستقیم از شاهد طرف مقابل را به وکلای طرفین می دهند در محاکم داخلی کشور نیز شاید بتوان روزی، در راستای مساعدت به قاضی در کشف حقیقت با اجازه روسای دادگاه ها تا حدودی از روش سوال از شاهد طرف مقابل به منظور احراز صحت گواهی شهود بهره جست.

تحقیق پیرامون شاهد و موضوع شهادت

اولین اقدام تحقیق کافی درباره شاهد و موضوع شهادت وی به منظور کشف مطالب خلاف واقع یا نقاط ضعف برای تنظیم استراتژی طرح سوال است. این تحقیقات باید از دو جنبه صورت پذیرد: یکی قابل اعتماد بودن شاهد دوم صحت مادی شهادت وی.

در خصوص قابل اعتماد بودن شاهد وکیل باید بکوشد واقعه ی رابطه ای را که ممکن است انگیزه ای برای شهادت خلاف واقع به ضرر موکل وی ایجاد کند و بر دادگاه آشکار نباشد، کشف نماید از جمله این عوامل می توان روابط خویشاوندی، تجارت و استخدامی، دوستی شاهد با طرف مقابل یا سابقه خصومت وی با موکل را نام برد اثبات عدم امکان وقوف شاهد قضایی که نسبت به آنها شهادت می دهد نیز موجب بی اعتبار ساختن اظهارات وی می گردد روابط خاص بین شاهد و طرفین همان طور که قبلاً گفته شد باعث عدم پذیرش شهادت نمی گردد اما قاضی یا هیات منصفه به شهادت افرادی که دارای انگیزه ای برای کتمان حقیقت یا شهادت کذب هستند با تردید بیشتری می نگرند در مواردی نیز که معلوم شود شاهد فاقد اطلاعات مربوط به

موضوع شهادت است از جمله به علت اینکه تخصیص مورد ادعا ندارد یا اینکه در محل معین در زمان مود نظر حضور نداشته است به شهادتش ترتیب اثر داده نمی شود.

صحت و سقم شهادت می توان با سه ضابطه سنجید: یکی اینکه آیا گواهی شاهد با تجارب کلی انسان و عرف عقلاً تطبیق می کند یا خیر _ مثلاً هیچ شاهدی نمی توان پذیرفت که کسی برای شنا کردن در اقیانوس به قطب شمال رفته باشد _ ضابطه دیگر , فقدان هرگونه تعارض در اظهارات شاهد است و بالاخره اینکه آیا مطالب شاهد با واقعیات محرز و غیر قابل انکار قضیه انطباق دارد یا خیر .

هنگامی که این تحقیقات به عمل آمد و از نقاط ضعف و قوت و گواهی شاهد آگاهی حاصل شد می توان با ملحوظ داشتن آنها به طرح سئوالات پرداخت.

در اختیار داشتن اطلاعات و مدارك كافي درباره شاهد و موضوع شهادت به وكيل امکان مي دهد كذب بودن اظهارات شاهد را بر دادگاه ثابت كند براي مثال هرگاه شاهد اشتغال خود را در فلان شركت انكار كند و وكيل مي توند با ارائه في المثل حكم اشتغال وي , نادرست بودن گفته او را بر دادگاه اثبات نمايد در سيستم حقوقي كشورهاي تابع كامن لو طرفين دعوي علي القاعده مجازند مداركي را در رابطه با جواب شاهد در جلسه دادرسي ارائه كنند و در نتيجه شهود از بيم اينكه مبادا وكيل طرف مقابل اسناد و مداركي را براي اثبات خلاف بودن اظهارات آنان در اختيار داشته باشد , به سهولت دروغ نمي گویند.

تنظیم سوال پیشاپیش براساس نکات مورد اختلاف

وكيل بايد قبل از حضور در جلسه دادرسي سئوالات مناسبي را براساس مطالعات و تحقیقات خود تنظیم نماید و از آنجا که جواب شاهد دقیقاً قابل پیش بینی نیست در عین حال باید آمادگی لازم را برای تغییر سئوالات برحسب مورد داشته باشد.

تردیدی نیست که هدف وکیل از طرح سؤال بی اعتبار کردن یا لااقل خدشه دار ساختن اظهارات شاهد و هدایت وی در جهت بیان مطالبی در اثبات مقصود خویش است از این رو , وکیل سئوالات را نه به طور اتفاقی بلکه بر محور نکاتی که خود در مقام رد یا تأیید آنهاست, یا به عبارت دیگر , در محدوده محل نزاع تنظیم می کند.

بستن راه فرار بر شاهد

بعد از آنکه معلوم شد وکیل در پی بیان چه مطلبی از سوی شاهد است موضوع تنظیم استراتژی مناسب برای وادار ساختن شاهد به اظهار آن نکات مطرح می گردد. وکیل باید قبل از عنوان کردن اصل مطلب , سئوالاتی را برای بستن راه های فرار بر شاهد طرح کند . في المثل براي اينكه وكيل به دادگاه نشان دهد كه شاهد قاعداً نمي توانسته است سند معينی را در تاريخ معينی در ايران مهر کرده باشد و ثابت كند كه به آن تاريخ تهیه شده بعداً تنظیم گردیده و مجعول است ابتدا از شاهد می پرسد كه آیا درست است كه مهر شما هیچ گاه نزد کسی جز خودتان نبوده است؟ و در صورت دریافت يك پاسخ مثبت وکیل آنگاه براساس مداركي كه شاهد نتواند آن را انكار كند می پرسد : شما در فلان تاريخ ايران را ترك كرديد درست است ؟ و سرانجام سؤال می كند كه پس شما در آن تاريخ نمي توانستيد آن سند را در ايران مهر کرده باشید .

در مثال بالا اگر از ابتدا از شاهد سؤال شده بود : شما كه در فلان تاريخ ايران را ترك کرده بودید چطور می توانستید آن سند را مهر كنید ؟ و می ممكن بود براي مثال جواب دهد كه من مهر را نزد منشي خود گذارده بودم كه این گونه اسناد را مهر بزند.

نمونه دیگر اینکه در یکی از پرونده های مطروح نزد دیوان داورى خواهان بهانه اثاثه منزلش را كه مدعي بود توسط دولت ايران ضبط شده است مطالبه می كرد و در اثبات اینکه چه اثاثه ای داشته است به شهادت استناد كرد بود شاهد اظهار می كرد كه وي از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ در ايران اقامت داشته و به خانه خواهان رفت و آمد می نموده و مشاهده کرده است كه خواهان در آن زمان حدود هزار قطعه وسایل عتیقه در اطاقهاي مختلف داشته است نادرست بودن این شهادت از آنجا استنباط می شد كه قاعداً نمی بایست طرف آن سه ال از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ مرتباً به اطاقهاي مختلف از جمله اطاق خواب وي رفت و آمد کرده باشد و لذا براي اینکه معلوم شود شاهد حداقل نمی تواند بگوید كه اطلاع داشته خواهان تا سال ۱۹۷۸ اقلام مورد ادعا را در اختیار داشته است ابتدا باید مشخص می شد كه وي چه سالی احتمالاً اطاقهاي مختلف خواهان را بازدید کرده است و در پایان سؤال نهایی طرح می گردید : از این رو طرح سئوالات بدین گونه مناسب به نظر می رسيد :

س : این وسایل عتیقه در اطاقهاي مختلف در منزل آقای... قرار داشت درست است ؟

ج : بله .

س : وقتی شما اول بار در سال ۱۹۷۵ به منزل آقای ... وارد شدید , حتماً آن گونه که مرسوم است آقای ... اطاقهای مختلف و از جمله اطاق خوابهایش را به شما نشان داده و شما متوجه وجود وسایل عتیقه در آن اطاقها شدید درست است ؟

ج : بله .

س : مسلماً بعد از آن دیگر دلیل نداشت که شما دفعات بعد که به منزل آقای ... می رفتید به کلیه اطاقهای ایشان از جمله اطاق خوابشان سر بزنید درست است ؟

ج : بله .

س : یعنی اینکه بعد از بار اول که در سال ۱۹۷۵ به خانه آقای... رفتید دیگر تنها به اطاق پذیرایی ایشان می رفتید نه به اطاقهای دیگر.

درست است ؟

ج . بله .

س : پس شما نباید بتوانید بگویید که مشاهده کرده اید که کلیه وسایل عتیقه مورد ادعا تا سال ۱۹۷۸ که شما ایران را ترک کردید در خانه ایشان بوده است .

در مورد سؤال اخیر هر گاه احتمال رود که شاهد به نوعی شهادت خود را توجیه کند اولی است که سؤال بدین گونه طرح گردد :

س : پس شما با اینکه از سال ۱۹۷۵ به بعد جز به اطاق پذیرایی به اطاق دیگری نرفتید معتقدند که می توانید شهادت بدهید که آن وسایل را تا سال ۱۹۷۸ در آن اطاقها مشاهده کرده اید ؟

احتمال اینکه شاهد به سؤال آخر جواب مثبت بدهد بسیار زیاد است ؛ زیرا او تصور می کند که اگر جواب بگوید بله هنوز به نفع طرف خود شهادت می دهد در حالی که جواب سؤال که در واقع تأییدی است بر آنچه سؤال کننده القا می کند بی اعتباری شهادت وی را آشکار میسازد.

طرح سئوالات تلقینی

برخلاف موردی که وکیل از شاهد موکل خود سؤال می کند سئوالات تلقینی از شاهد طرف مقابل مجاز است و پرسشهای غالباً چنین طرح می شود به علت تلقینی بودن طبع این سئوالات که توجه دادگاه هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل بیشتر متوجه سؤال کننده است تا شاهد چرا که این وکیل است که اطلاعات را عرضه میکند نه شاهد.

وکیل با استفاده از سئوالات تلقینی در واقع قضایا را به نحوه مطلوب خود به سمع دادگاه می رساند و می کوشد جوابهای شاهد به نوعی باشد که بر توصیف وی از اوضاع صحنه بگذارد برای تأمین این هدف بسیار مهم است که شاهد در جهت مورد نظر وکیل هدایت و به ادای پاسخهای کوتاه وادار شود.

یکی از حقوق دانان امریکایی در مقام بیان اینکه سؤال باید نه به گونه ساده بلکه به شیوه تلقینی طرح شود این مثال را می آورد که بر فرض اینکه شما بخواهید اثبات کنید که شاهد به علت فلان واقعه عصبانی بوده است به جای اینکه از او سؤال کنید آن واقعه چه احساسی در شما ایجاد کرد؟ یا اینکه آیا آن واقعه شما را عصبانی کرد ؟ از وی بپرسید آن واقعه شما را عصبانی کرد مگر نه ؟ یا شما به آن علت فریاد می کشیدید درست است ؟ آیا با این حال همچنان اصرار می ورزید که عصبانی نبودید ؟

بیان مطالب فوق بدین معنی نیست که کلیه سئوالات باید همواره تلقینی باشد معمولاً تعدادی از مجموع سئوالات هر چند اندک غیر تلقینی است گاه شرایط پرونده و هدف از برخی پرسشها اصولاً اقتضای طرح سئوالاتی از آن نوع را ندارد در مواردی شاید مناسب باشد ابتدا نسبت به واقعه ای از شاهد توضیح خواسته شود و سپس با توجه به اظهارات وی سئوالاتی بشود که او از پاسخ دادن به آنها عاجز بماند برای مثال در یکی از پرونده های مطروح نزد دیوان داوروی ایران ایالات متحده وکیل ایران براساس قرآنی دریافته بود که سند انتقال سهام چند شرکت ایرانی به یک تبعه امریکا نه در سال ۱۹۷۸ که ادعا میشد بلکه چند بعد و به تاریخی مقدم به منظور طرح دعوی در این دیوان تهیه شده است وی از یک نفر آلمانی که آن سند را امضا کرده بود و در دیوان شهادت می داد سؤال کرد آیا این سند انتقال را شما نوشتید شاهد بعد از نگه کردن به آن سند پاسخ داد خیر وکیل آنگاه از شاه

خواست دقیقاً توضیح بدهد آن سند چگونه تنظیم شده و به امضا رسیده است شاهد از ادای هرگونه توضیح عاجز ماند و بالمال اصالت سند نزد دیوان داور دایره مورد تردید جدی قرار گرفت (برای نمونه های دیگری از سوالات غیر تلفیقی براساس هدف از طرح پرسش به عنوان شماره ۶ این مقاله رجوع نمایید) اخذ توضیح از شاهد ضمن سوالاتی غیر تلفیقی _ جز پرسشهایی که پاسخ آنها مقدمه سؤال نهایی است _ معمولاً هنگامی توصیه می گردد که پیش بینی شود شاهد حرف موجهی برای گفتن ندارد والا وی فرصت خواهد یافت مطالب بیشتری در تایید شهادت خود بیان دارد.

سوالاتی که باید از طرح آنها اجتناب شود.

یکی از اصول مورد قبول متخصصان فن این است که وکیل هرگز نباید سوالاتی را مطرح کند که خود جواب آن را نمی داند همانگونه که قبلاً بیان شد ، وکیل سوالات خود را براساس يك استراتژی از پیش تنظیم شده طرح می کند تا به هدف معین برسد و مسلم است که برای نیل به چنین هدفی خود او باید جواب هر سؤال را بداند در غیر این صورت اظهارات شاهد در کنترل وی نخواهد بود و بالطبع نمیتواند استراتژی خود را اعمال نماید.

نوع دیگری از سؤال که باید از آن پرهیز شود پرسشی است که به شاهد امکان دهد مطالبی را که به نفع خود در شهادتش گفته است تکرار کند یا با ادای توضیحات مفصل راجع به مسائلی که مورد نظر وکیل نیست ، از جاذبه و تداوم سوالات وکیل و توجه دادگاه به نقش وکیل بکاهد . پرسشها باید به گونه ای باشد که جواب آنها ترجیحاً بله یا خیر _ آن طور که مورد نظر سؤال کننده است باشد به عبارت دیگر وکیل هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل برعکس مورد سؤال از شاهد خویش _ باید بیشتر خود سخن بگوید و در حالی که توجه دادگاه را به خویش جلب کرده است شاهد طرف مقابل را در جهت دلخواه هدایت کند از این رو ، معمولاً وکیل حرف شهادتی را که توضیحات اضافی می دهد با ذکر جمله متشکر قطع می کند

سؤال زیان آور دیگری که باید از آن احتراز شود سؤالی است که به شاهد طرف مقابل فرصت توجیه موارد تناقض را بدهد بطوریکه مثلاً با اظهاراتی از قطعیت اثر مدرکی که بالاستقلال قابل استناد است بکاهد برای نمونه اگر نامی یا مدرکی وجود دارد که خلاف بودن شهادت را قطعنامه اثبات می کند مبادی از شاهد خواست که وجود آن را توجیه کند چرا که مسلماً شاهد نه تنها بر ارزش اثباتی آن سند _ که خود از اعتبار کافی برخوردار است _ نخواهد افزود بلکه ممکن است با برخی توضیحات ابتکاری اثر آن را کاهش دهد شك نیست که طرف ذینفع میتواند هنگام عرضه مدافعات خود به آن سند مستقلاً استناد کند و کذب اظهارات شاهد را به دادگاه متذکر شود

اخذ جواب مطلوب

پاسخ مطلوب يك وکیل قطعاً آن است که شاهد به صراحت اقرار کند که گواهی کذب داده است و احیاناً اظهار نامت هم بکند ؛ اما واقعیت این است که هر چقدر هم سؤال کننده مسلط به کار خود باشد ، چنین تجربه ای معمولاً جز در فیلمهای سینمایی یا تلویزیونی حاصل نمی شود يك پرسشگر ورزیده هرگز بر اخذ چنین جوابی اصرار نمی ورزد و در راه نیل به چنان هدفی با سوالات مکرر شاهد را خسته نمی کند و موجبات اعتراض وکیل طرف مقابل را فراهم نمی آورد .

در ارزیابی جوابهای شاهد باید توجه داشت همین که قاضی ، داور یا هیات منصفه به نحوی از اظهارات شاهد استنباط کنند که وی از بیان حقیقت طفره می رود، کافی است نباید منتظر بود که او صراحتاً اقرار به شهادت کذب کند برای مثال در جلسه رسیدگی به یکی از پرونده های دیوان داور دعوای ایران _ ایالات متحده از سوالات خوانده و پاسخهای يك وکیل سونسی که به نفع خواهان شهادت داده بود بر حاضران در جلسه مسلم که وی از دادن جواب روشن به پرسشها امتناع می کند او في المثل از پاسخ دادن به این سوال تازه که سهامداران فلان شرکت در صورت جلسه مجمع عمومی سالانه ای که اظهار داشته بود مطالعه کرده و خود بانی تنظیم آن بوده است چه کسانی بودند به انحصار مختلف اجتناب می کرد وکیل خوانده دوباره سؤال خود را تکرار کرد و بار سوم توجه دیوان را به این نکته معطوف داشت و از تکرار بیشتر پرسش خودداری نمود؛ اما در مدافعات خود عدم صداقت شاهد و معتبر نبودن شهادت وی را به دیوان خاطر نشان ساخت.

مثال دیگر اینکه در جلسه دادرسی ادعای پنجم پرونده ب _ ۱ مطروح نزد دیوان داور دعوای ایران _ ایالات متحده که طی آن دولت ایران بابت خرید تعدادی هلیکوپتر از دولت آمریکا در دوران رژیم قبل ادعای ارش نموده بود يك سر لشکر امریکایی شهادت داد که مستشاران امریکایی به هیچ وجه به ارتش ایران در دوران رژیم گذشته توصیه نکرده بودند که تجهیزات نظامی امریکایی را خریداری کند و نیز گواهی داد که امریکایی نبوده است اهمیت این شهادت از این جهت بود که مسئولیت دولت امریکا را از بابت تضمین آن هلیکوپترها و به تبع آن تکلیف جبران خسارت را ، منتفی می ساخت جوابهایی که آن افسر با تجربه به چند سؤال وکیل ایرانی داد بر عکس آنچه تصور می کرد به روشنی مفید این معنی بود که دولت سابق هیچ تجهیزاتی از جمله هلیکوپترهای مورد بحث ، را بدون صلاحدید مستشاران امریکایی نمی خرید.

سئوالات وکیل ایران در این قسمت بعد از برخی مقدمات تقریباً به این ترتیب بود :

س : چند درصد مستشاران نظامی ایران در رژیم سابق امریکایی بودند؟

ج : (همانطور که سؤال کننده می پنداشت) صد در صد .

س : چند درصد از تجهیزات نظامی نیروی هوایی ایران امریکایی بود؟

ج : همانطور که سؤال کننده انتظار داشت صد در صد .

ایران امریکایی بودند و صد در صد تجهیزات نظامی نیروی هوایی هم امریکایی بود ؟

ج : نمی دایم منظورتان از تصادفی چیست . اگر مقصودتان این است که مسئولان آن زمان بنا به میل و اراده خود تجهیزات امریکایی خریداری می کردند جواب مثبت است .

س : اگر به جای مستشاران امریکایی برای مثال تمام مستشاران فرانسوی یا سوئدی بودند آیا به نظر ما باز نیروی هوایی ایران در آن زمان صد در صد تجهیزات امریکایی می خرید؟

معلوم است که بر فرض اگر شاهد به پرسشی نظیر سؤال اخیر جواب مثبت بدهد در واقع ناموجه بودن شهادت خود را آشکار می سازد .

طرز رفتار با شاهد

وکیل باید با شاهد آرام ، مودب و در عین حال قاطع رفتار کند شخص معمولاً _ خاصه در ابتدای کار _ هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل دچار هیجان می شود وکیل باید مرتباً و حتی از چند روز قبل از شرکت در جلسه دادرسی به خود تلقین کند که باید سولات خود را در کمال آرامش و خونسردی مطرح سازد . در صورتی که وکیل نتواند بر هیجان خود غلبه کند نه تنها رفتار وی ناشیانه و خشن جلوه می کند و در نتیجه اثر مطلوب در ذهن قاضی ، داور یا هیات منصفه نمی گذارد بلکه انعطاف ذهنی خود را برای هدایت شاهد در مسیر دلخواه و استفاده بموقع و مناسب از جوابهای وی از دست می دهد .

رفتار منصفانه یکی دیگر از الزامات برخورد با شاهد است وکیل هر قدر هم به موفقیت موکل خود علاقه مند باشد نباید از رفتار وی چنین استنباط شود که از اینکه شاهد به نفع طرف مقابل شهادت داده ناخشنود خواستار کشف حقیقت است اعم از اینکه آن حقیقت به نفع یا به ضرر وی باشد در این راستا وکیل باید از رفتارهایی که دلالت بر تردستیهای برای به اصطلاح به تله انداختن شاهد دارد احتراز کند وکیل ورزیده و با تجربه چنان عمل می کند که اعتماد دادگاه را جلب نماید و این تصور را ایجاد نکند که از انواع ترفندهای برای برنده شدن موکل خود استفاده می کند .

رعایت ادب قطع نظر از ضرورت اجتماعی آن هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل از اهمیت خاصی برخوردار است رفتار غیر مودبانه با شاهد و به کار بردن الفاظ موهن هنگام سؤال از وی از قبیل اینکه تو دروغ می گویی ولو در صحت آن تردید نباشد موجب می گردد که همدردی کذب بودن اظهارات وی بیندیشد به مظلوم واقع شدن او فکر کند به طور کلی وکیل باید از هر رفتار ناخوش آیند و غیر منصفانه از قبیل داد زدن بر سر شاهد یا حتی بیش از حد بلند حرف زدن اجتناب کند .

در عین حال که شایسته است وکیل با شاهد طرف مقابل رفتاری توأم با آرامش متانت و ادب داشته باشد حالت مهربان و خودمانی داشتن با شاهد نیز توصیه نمی شود ؛ زیرا وقتی که شاهد کاملاً احساس راحتی کند با سلطه بیشتر بر افکار و با جمعیت خاطر زیادتیر جوابهای دروغین خود را در مقابل پرسشهای وکیل هماهنگ می کند وکیل باشد سئوالات خود را خشک قاطع و صریح ولی عاری از خشونت یا خصومت طرح کند .

۸ حفظ شاهد خود در قبال سؤال طرف مقابل

وکیل باید شاهد خود را در برابر تکنیهای غافلگیری که ممکن است طرف مقابل برای گمراه یا گیج ساختن وی به کار برد حفظ نماید و مراقب باشد که طرف مقابل با استفاده از برخی ترفندها موضوع شهادت را تحریف نکند این هدف با دادن تعلیمات لازم به شاهد قبل از حضور در جلسه دادرسی و اعتراض به سئوالات ناموجه طرف دیگر در حین محاکمه تامین می شود .

الف . آموزش شاهد قبل از حضور در جلسه دادرسی

وکلاي معمولاً قبل از حضور در جلسه دادرسي با طرح سئوالاتي که تصور مي کنند طرف مقابل از شاهد آنان خواهد کرد وي را براي پاسخگويي به آن پرسش آماده مي سازند از اين رو سوال از شاهد طرف مقابل وقتي بيشتتر مقرون به موفقيت است که سئوالات براي وکیل طرف مقابل قابل پيش بيني نبوده باشد .

در مورد طرز رفتار شاهد در جلسه دادرسي نکات زیر بايد به وي گوشزد شود :

__ حفظ خونسردي و اعتماد به نفس شاهد بايد از هرگونه شتابزدگي و ابراز حالت تزلزل که ممکن است قرينه اي بر دروغگويي تلقی شود اجتناب کند.

__ از جوابهاي شاهد نبايد چنين استنباط گردد که وي مصراً درصدد اثبات ادعاهاي طرفي است که به نفع او شهادت مي دهد در تامين اين هدف وي بايد از طفره رفتن در مقابل سئوالاتي که به نفع طرف خود نيست اجتناب کند.

__ شاهد بايد از جر و بحث کردن با وکیل طرف مقابل و هرگونه رفتار ديگري که از آن شائبه جانبداري برآيد احتراز نمايد.

__ اگر سئوال روشن نباشد , شاهد بايد ابتدا با سئوالاتي منظور وکیل را دريابد و سپس به آن پاسخ دهد در اين رابطه بعضي از وکلا به شهود خود آموزش مي دهند که اگر کاملاً مطمئن نيستند که چگونه به سئوال جواب بدهند مي توانند با خواستن توضيح بيشتتر از وکیل فرصت کافي براي تفکر بيابند.

__ شاهد مجبور نيست آن طور که وکیل مي خواهد و اصرار مي ورزد : از جمله با گفتن بله يا نه به سوال وي پاسخ دهد در صورتی که شاهد احساس کند که چنين جواب کوتاهي ابهان نامطلوبي ايجاد مي نمايد بايد هر قدر لازم مي داند توضيح دهد.

__ اگر شاهد جواب سئوال را نمي داند بايد بگويد نمي دانم مسلماً از شاهد انتظار نمي رود که لزوماً هر مطلبي را بدانند اظهار اطلاع نسبت به امري که شاهد از آن نمي تواند وقوف داشته باشد , حربه اي به دست وکیل طرف مقابل خواهد داد تا به اصطلاح او را ببيجاند و شهادتش را بي اعتبار سازد.

__ شاهد بايد بعد از شنيدن سئوال کمي صبر کند آنگاه جواب بدهد زیرا ممکن است سئوال وکیل طرف مقابل از جمله سئوالات مجاز نباشد و در نتيجه رئيس دادگاه بر اثر اعتراض وکیل طرفي که شاهد به نفع او شهادت مي دهد شاهد را از پاسخگويي بدان معاف نمايد.

ب . حمايت از شاهد در جلسه دادرسي

گاه وکیل طرف مقابل سعي مي کند با توسل به شيوه هاي مختلف , و از جمله طرح سئوالات انحرافي و گيج کننده شاهد را وادار به بيان برخي مطالب مورد نظر خود بنمايد ؛ از اين رو بايد شاهد را از آسيب چنان سئوالاتي با يك سلسله اعتراضهاي بموقع محافظت کرد.

هرگونه اعتراض معقولي را در تامين هدف بالا مي توان مطرح ساخت تعدادي از اعتراضهاي متداول از اين قرار است :

وکیل به شاهد فرصت نمي دهد جواب خود را تکميل نمايد . توضيح اينکه وکلا اغلب مي کوشند حرف شاهد را براي اجتناب از توضيحات اضافي يا زيان آورد قطع کنند.

__ سئوال به دعوي ارتباط ندارد

__ سئوال وکیل روشن نيست.

__ وکیل اظهارات شاهد را نادرست نقل مي کند اين اعتراض وقتي مورد پيدا مي کند که وکیل طرف مقابل ابتدا قسمتي از حرفهاي قبلي شاهد را باگو مي نمايد و بر آن مبنا سئوال ديگري طرح مي کند.

__ مدارک مورد استناد وکیل که مبناي سئوال واقع شده است در پرونده موجود نيست اين ايراد هنگامي مصداق دارد که وکیل طرف مقابل به شاهد چنين وانمود مي کند که سئوال وي مبتني بر مدارک غير قابل انکار در پرونده است.

وکیل با سئوالات تند و پشت سر هم امکان فکر کردن به شاهد نميدهد.

سئوال مجدد از شاهد خود

بعد از آنکه سؤال طرف مقابل از شاهد تمام شد طرف دیگر از آن شاهد (یعنی شاهد خود) پرسشهایی برای رفع ابهامها و سو تفاهمهایی که ممکن است در اثر سئوالات طرف مقابل ایجاد شده باشد طرح می کند از جمله اگر شاهد گفته باشد قیمت سهم فلان شرکت فلان قدر بوده است، بدون اینکه بگوید در چه سالی و این نکته مهم باشد وکیل هنگام سؤال مجدد از شاهد خود با ذکر مطلب فوق از وی می پرسد که منظورش از قیمت سهام در چه سالی بود؟

استناد به جوابهای شاهد طرف مقابل

سرانجام وکیل در جریان مدافعات خود در دادگاه ضمن بحث در خصوص هر یک از مسائل مورد اختلاف به اظهارات شاهد طرف مقابل استناد می جوید.

در خاتمه این نکته اضافه می شود که در رسیدگی جزایی به طور مطلق و در دعاوی مدنی، چنانچه شهادت مستقلاً بدون هیچگونه محدودیتی از نظر خواسته دعوی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی پذیرفته می گردد استفاده از مکانیزم سؤال از شاهد طرف مقابل آن طور که در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لو متداول می باشد برای اجرای صحیح عدالت اجتناب ناپذیر است اعمال آن روش به قاضی امکان می دهد علی رغم تمهیداتی که اصحاب دعوی ممکن است برای قلب، کتمان یا تحدیش حقیقت به کار برند واقعیات را از مجموع سؤال و جوابها دریابند در این فرض افراد ظاهراً الصلاح نخواهد توانست به عنوان شاهد عادل محکمه را فریب دهند و موجب صدور احکام ظالمانه بشوند.

منابع:

شروع پاورقی

۲. منظور از کامن لو در اینجا نظام حقوقی کشورهای چون انگلستان و امریکای شمالی است که در مقابل نظام حقوقی رومی _ ژرمنی که در ممالکی مثل فرانسه و ایتالیا حکومت دارد به کار رفته است.

۴. محاکمات در نظام حقوقی کامن لو برخلاف سیستم رومی _ ژرمنی توسط وکلای ظرفین (نه قاضی) برگزار می شود نقش قاضی در آیین دادرسی کامن لو عمدتاً (نظارت بر انجام محاکمه اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض وکلا تفهیم مقررات به هیات منصفه و تعیین مجازات یا میزان خسارت براساس نظر هیات منصفه است آداب محاکمه در رابطه با تحقیق از شهود بدین گونه است که ابتدا مدعی، سئوالاتی از شاهد خود به منظور اثبات مواضع خویش کند و بعد از آن طرف مقابل از آن شاهد پرسشهایی به قصد نفی یا خدشه دار کردن شهادت او می نماید پس از آنکه سئوالات طرف مقابل به پایان رسید، مدعی مجدداً پرسشهایی از شاهد خود می کند تا برخی از ابهامها یا تردیدهایی را که وکیل مقابل در ارتباط با اظهارات شاهد وی ایجاد کرده است مرتفع سازد.

۶. ممکن است گفته شود که قاضی _ نه وکیل _ هم می تواند سئوالات لازم را از شهود بکند و ضرورتی ندارد که این کار وسیله وکیل طرف مقابل انجام شود پاسخ این نکته آن است که قاضی امکان تحقیق راجع به شاهد و مسائل مربوط به شهادت و جمع آوری دلایل را چون وکلای اصحاب دعوی ندارد و طرح سئوالاتی از جانب وی نظیر برخی پرسشهایی وکیل یکی از ظرفین، با بی طرفی و مغایرت دارد این توضیح بدان معنی نیست که قضات حق ندارند سئوالاتی به منظور کشف حقیقت از شهود بکنند بلکه انجام این کار به نوبه خود جهت کشف حقیقت ضرورت تام دارد.

۷. سؤال از شاهد طرف مقابل در حقوق ایران ندارد برابر قوانین آیین دادرسی موجود، سؤال از شاهد طرف مقابل در مواردی مستقیماً و در مواردی از طریق رئیس دادگاه است رجوع کنید به قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۲۴۸ قانون محاکمه جنایی ماده ۲۹ و آیین دادرسی مدنی مواد ۴۲۱ و ۴۲۲.

۸. در دیوان داوروی ایران _ ایالات متحده ارائه اسناد و مدارک در جلسه دادرسی جز در موارد بسیار استثنایی مجاز نیست وکیل در رد اظهارات شهود فقط می تواند به اسناد و مدارکی که قبلاً نزد دیوان ثبت شده است استناد کند.

۹. وکیل همیشه باید این نکته را در نظر داشته باشد که ممکن است شاهد جواب دلخواه را به سؤال او ندهد، و آماده باشد که با طرح سئوالات دیگر با ابراز مدارک غیر قابل انکار، وی را به پاسخ مطلوب سوق دهد.

۱۰. همانطور که قبلاً اشاره شد ابتدا باید براساس ضوابطی که بیان گردید تشخیص داده شود که کدام مطالب احتمالاً نادرست است.

۱۱. بسیار بعید بود که شاهد بگوید مرتباً به اطاقهای دیگر و از جمله اطاقهای خواب خواهان رفت و آمد است بر فرض که چنین جوابی میداد دیگر که نادرست بودن چنین اظهاری را نشان دهد قابل طرح بود.

۱۲. وکیل مطمئن بود نه شاهد امکان نداشت بگوید که سند را او تنظیم کرده است چون به وضوح معلوم بود که شاهد تسلط کافی بر زبان انگلیسی و فن نگارش حقوقی برای نوشتن چنان مباحثه نامه ای نداشت. وکیل می توانست با طرح چند سؤال نشان دهد که شاهد حتی مفهوم برخی از واژه های انگلیسی به کار رفته در سند را نمی داند.

۱۳. طرح سئوالاتی که وکیل جوابش را نمی داند فقط هنگامی از سوی برخی حقوق دانان توصیه میشود که وکیل هیچگونه امیدی به اینکه شاهد را وادار کند مطلبی به نفع موکل وی بگوید، ندارد. در این فرض، چنین تصور می شود که شاید گواه تصادفاً نکته مفیدی را بیان دارد یا مطلبی اظهار کند که احیاناً سئوالات مناسب بعدی قرار گیرد. احتمالاً دلیل دیگر در توجیه این نظر می توند این باشد که به هر حال اگر وکیل از شاهد طرف مقابل سؤال نکند، شهادت وی محمول بر صحت خواهد بود.

۱۴. در صورتی که شاهد از بیان حقیقت خودداری می کرد وکیل میتواند توضیحاتی در مورد مستشاران غیر امریکایی از وی بخواهد که از بیان آنها عاجز می ماند، و در نتیجه نادرست بودن اظهار وی بر دیوان آشکار می شد.

۱۵. برخی از اصحاب دعوی به شهود خود تسلیم می دهند که برای خنثی کردن جاذبه سئوالات وکیل طرف مقابل یا به منظور محو کردن نکته ای که در سؤال ملحوظ است، متعمداً جوابهای طولانی، ولو غیر مرتبط به سؤال وی بدهند.

۱۶. این ایراد معمولاً وقتی اقامه می شود که وکیل طرف مقابل با طرح يك سلسله سئوالات مقدماتی ظاهراً بی ارتباط با مسائل پرونده درصدد است راه فرار بعدی را بر شاهد ببندد. وکیل در پاسخ این اعتراض باید به دادگاه اطمینان بدهد. که بزودی ارتباط این سوال با مسائل مورد اختلاف معلوم خواهد شد.

نویسنده: دکتر علی اکبر ریاضی